

شماره کتاب: ۱۳۷۱
 شماره ثبت: ۱۳۷۱
 شماره نشر: ۱۳۷۱
 شماره چاپ: ۱۳۷۱
 شماره تجدید چاپ: ۱۳۷۱

به شیوه‌ی خودشان عاشق می‌شوند

«عاشقانه‌ها»
 شماره کتاب: ۱۳۷۱
 شماره ثبت: ۱۳۷۱
 شماره نشر: ۱۳۷۱
 شماره چاپ: ۱۳۷۱
 شماره تجدید چاپ: ۱۳۷۱

(۱۳۷۰-۱۳۹۱)

علی باباچاهی



انتشارات فردا

فهرست

- ۷ به ضرورت
- ۱۹ منزل‌های دریا بی‌نشان است.....
- ۲۱ وصل‌فراقی.....
- ۲۴ چرا قهوه‌ای است؟.....
- ۲۷ امروز دیگر.....
- ۳۱ تم‌تم بارانم.....
- ۳۳ امضای یادگاری.....
- ۳۶ سفیدی‌ها را بخوان.....
- ۳۹ مطمئن‌ی که.....
- ۴۱ عقل‌ ما.....
- ۴۴ از کجا که ما.....
- ۴۷ عقل عذابم می‌دهد.....
- ۴۹ با چهره‌های مختلفی از تو.....
- ۵۲ به روایت خودمان.....
- ۵۵ تو او را ندیده‌ای.....
- ۵۸ این‌طور عصری را.....
- ۶۱ فقط یک شوخی بود.....
- ۶۴ از دو درخت فقط.....
- ۶۷ قیافه‌ام که خیلی مشکوک است.....
- ۶۹ تا بوشهر.....

روانی ۱	۷۲
با اما و اگر	۷۵
چاقو که هیچ	۷۸
رفته بودم به صید نهنگ	۸۱
قسم ۲	۸۳
قسم ۳	۸۴
عاشقانه - گانگستری	۸۶
رنگِ ضدزنگ	۸۹
عبور ناممنوع	۹۲
مطابق با اصل	۹۵
آدم زغالی	۹۸
از قلم افتاده	۱۰۱
پیکاسو در آب‌های خلیج فارس	۱۰۵
نقاشی بر دیوار	۱۰۷
ساکن اولین انفجار	۱۰۹
عاصی که شدم	۱۱۰
امروز ۹	۱۱۲
حتماً؟	۱۱۴
دو تعبیر	۱۱۵
باطل نمی‌شود	۱۱۶
خندید و گفت	۱۱۸
از روایات‌ها	۱۲۰
کلمه به کلمه	۱۲۲
فقط از پریان دریایی زخم زبان نمی‌خورد	۱۲۵
شکار پروانه	۱۲۷
فروشی نیست!	۱۲۸
گفتم که	۱۳۰
به تنهایی می‌گوییم تو	۱۳۲
تازه شروع شده	۱۳۴
هوش و حواس گل شب‌بو	۱۳۷
امکان دارد	۱۳۹
گیرم که ثابت شد	۱۴۲

این نقطه‌ی ثقل	۱۴۴
این دنیای شوخ و شنگ	۱۴۶
میکرب‌بازی	۱۴۸
این ماجرا	۱۵۰
قابل دفاع است	۱۵۱
این حرف حساب	۱۵۵
آبی هم رنگی‌ست	۱۵۶
گلِ بارانِ هزار روزه	۱۵۹
آدم این‌طوری	۱۶۱
مطلب این‌جاست که	۱۶۳
لج‌بازی	۱۶۵
فکرش را نمی‌کردم	۱۶۷
اشیا مؤنث‌اند	۱۶۹
دور خیلی دور	۱۷۰
یک نوع زندگی‌ست	۱۷۲
عاشق یک صندلی بود	۱۷۴
تکه چسبان	۱۷۶
این‌طوری بهتره	۱۷۸
ده سال گذشت	۱۸۰
دنیا اشتباه می‌کند	۱۸۳
هر کسی کار خودش	۱۸۵
چه کارش داری؟	۱۸۷
تأثیر فوری	۱۸۹
دیده نمی‌شوند	۱۹۱
همین‌طوره	۱۹۳
برای خنده	۱۹۵
درس اخلاق	۱۹۷
پشت صحنه	۱۹۹
واقعاً؟	۲۰۱
بیا گوش‌ماهی جمع کنیم (۳۰ شعرک)	۲۰۳
باغ انار از این طرف است	۲۱۵
مخصوصاً که	۲۱۷

اسم این پیرمرد زیگمونت باومن و معرف حضور اهالی شعر و فلسفه در ایران است. اگر او در این سن و سال در دفاع از عشق، دلایل «قوی و معنوی» می‌آورد، بی‌گمان مایه‌ی دلگرمی این یکی پیرمرد مو خاکستری سیه‌چشم! شرقی است، اما نه تا آن‌جا که اعتماد به نفس این متن را زیر سؤال ببرد.

این «باب» ناباب، ایجاب نمی‌کند که من به شرح و بسط عقاید این متفکر فرنگی بپردازم پس تنها بر یکی از نکاتی که در واقع شرح مشتاقی اوست درنگ می‌کنم. او معتقد است که: فرهنگ مصرفی غرب ای‌کاش، عشق را این‌چنین خام‌خام نمی‌بلعید. با این تأکید که: «انتفاع‌آنی، تو رگ‌زنی‌های سریع، ارضای فوری و؛ وعده‌ی یادگیری هنر عشق‌ورزی؛ وعده‌ی دروغین و فریبکارانه‌ای است!»

و این همه را پیرمرد در کتاب «عشق سیال» اش آورده و جناب عرفان ثابتی هم آن را ترجمه کرده است که: هزار و سیصد آفرین بر ایشان! خب! که چی؟

که شاعران نسل پس از ما که سال‌ها پیش جوان نامیده می‌شدند این‌چنین با شتاب و عتاب، تغزل‌های اناری رنگ را هم بی‌درنگ از پنجره به کوچه پرتاب نمی‌کردند که: ناهم‌زمانی را تاب نمی‌آوریم!

من اما در خصوص عشق و شعر عاشقانه به‌طور مشروح در سرآغاز کتاب نامستطاب عاشقانه‌ترین‌ها (گزینش و بررسی شعرهای عاشقانه) - نشر ثالث ۱۳۸۴ - آورده‌ام و تکلیف‌ام را کم و بیش با این قضیه روشن کرده‌ام!

-۲

خواب، خواب می‌آورد، تداعی؛ تداعی را.

فروغ فرخزاد نوشته است و اهالی شعر و ادبیات امروز ایران

بی‌چون و چرا آن را پذیرفته‌اند:

معشوق من گویی ز نسل‌های فراموش گشته است

...

او وحشیانه آزاد است مانند یک غریزه‌ی سالم

در عمق یک جزیره‌ی نامسکون.

او پاک می‌کند با پاره‌های خیمه‌ی مجنون

از کفش خود غبار خیابان را

(فروغ فرخزاد، تولدی دیگر)

این‌که فروغ شاعر نازنین و دلنشینی است تردید ندارم!

اما این نکته را فراموش نکنیم که فروغ به رغم هوش و حواس گل شب‌بوئی‌اش و با توجه به سن و سال کم‌اش، از مجنون (و از کم و کیف ادبیات کهن ایران - نثر و نظم و شعر -) درکی اگر نگویم عامیانه، غیرعمیق دارد. اکنونیان عزیز به تبع این شعر فروغ عزیز لابد در جهان مدرن «دیگر خیال‌شان از همه سو راحت است» که: «این شعر غریب، بیش‌تر از آن جهت مهم است که بر تصورات سنتی از عاشق و معشوق مهر باطل می‌زند و تصور عینی و واقعی او را مجسم می‌کند»

اما قضیه به این سادگی‌ها نیست!

چرا که پیش از این شعر غریب، جهان مصرفی غریب! و عشق‌های عجیب‌غریب را به‌طور غریبی از گردونه خارج کرده است.

بخش عمده‌ای از شاعران مادرزاد مدرن ما گرچه به درستی در تضاد با تصور غالباً مضحک معشوق سنتی به سر می‌برند، اما عجولانه تغزل درآمیخته با روح زمان را هم به‌طور کلی ناهم‌زمان Synchronic تلقی می‌کنند. و در نتیجه خواسته یا ناخواسته به تأیید رابطه‌های